

که میگویند و کیل خوب (البته منظور من هم در تمام این مقاله و کیل خوبست) از اول شغل خود تا آخرین نفس دقیقه راحت و آسایش نداشته و یکنوع فداکاری می کند که نمره و بنزه آن برای خود او صفر و برای جامعه حداعلای قیمت را دارد و بالاخره میگویند و کیل در ابتدای کار برای خوردن پول ندارد در وسط کار وقت ندارد و در آخر کار ندان ندارد .

ترجمه و اقتباس عمیدی نوری و مهدی ملکی از فارو

نقائص همستی در مسئولیت کیفری

مستی همیشه یکی از عیوب بشریت بوده و هست ولی اعتیاد بالکل مصیبت نسبتاً تازه است که مخصوصاً با فراوانی لیکورهای سکرآور مبتلابان را از افراط در سکر بدرجه اعتیاد بالکل رسانده است . از نظر حقوق جزا در قدیم فقط توجه علما معطوف به حالت مستی و اثر آن در مسئولیت کیفری بود ولی امروزه با تعداد روزافزون معتادین بالکل قانون جزا باید از دو نظر متوجه این موضوع باشد یکی بمنظور مبارزه با توسعه مستی و الکلیسم بواسطه کیفری دیگری بمنظور تعیین مسئولیت مست و معتاد بالکل از حیث جنحه یا جنایاتی که تحت تاثیر سمی الکل ارتکاب مییابد .

۱) مستی و اعتیاد بالکل که نتیجه قهری آب است مسلماً در آتیه خانواده و جامعه عکس العمل فوق العاده مخربین دارد بعدیکه در قوانین جدید نفس مستی امر جنحه بوده صرف این عمل را بکیفر حبس و جزای نقدی مجازات میکنند . مثلاً در فرانسه مجلس شورا بنام پیشنهاد دکتر روسل در ۲۳ ژانویه ۱۸۷۳ قانونی را تصویب کرد که استعمال علنی الکل را مجازات میداد (ماده ۳۷۵ قانون مجازات ایران تصریح دارد هر کس متجاهراً استعمال مسکرات یا افیون یا شیره تریاک یا مرفین یا بنگ یا چرس نماید بحبس تادیبی از ۸ روز تا سه ماه یا بتادیه غرامت ازده تومان الی پنجاه محکوم خواهد شد یا داداشت مترجم) و همین قانون کسانی را که

در حال مستی آشکارا در کوچه ها - راهها - میدانها - قهوه خانها - میخانهها و سایر امکته عمومی دیده میشوند مجازات میکند و حتی ممکن است آنها را با دخالت مامورین شهربانی بخرج خودشان بنزدیکترین پاس کلانتری برده تا هشیاری کامل نگاهداشت. قانون مذکور ضمناً قهوه چپها و میخانه دارها را از خوردن لیکوره‌های الکلی بصغار کمتر از ۱۶ سال منع کرده و پذیرائی اشخاص مست را بموسساتشان منع میکند.

گرچه مجازات مستی حقا و انصافاً محل هیچگونه ایراد و اعتراض نیست. زیرا بقول کارونالو مستی مرض جسمی یا موروثی یا عادت مزمنی نیست که بتوان در مقابل آن مقاومت نمود بلکه حالت موقتی است که شخص جز بر اثر ضعفیکه اراده اش بآسانی قادر بدفع آن بوده دچار آن حالت نمیکردد. بنا بر این باید باین اراده محرکی داد که بتواند تصمیمی گرفته گیللاس مشروب را کنار بگذارد و این محرک جز مجازات چیز دیگری نمیتواند باشد. معالوصف بعضیها شرایط جرم را کافی ندیده کیفر را بدون تاثیر دیده اند ولی آنچه مسلم است قانون مزبور یکی از قوانین بهداشتی و اجتماعی مفید است. چه قدر متعفن مست ناخوش نموده مقصر است. زیرا بالا اراده و بطیب خاطر و بر اثر ضعف عنان شهوت را گسیخته و سعی بتسلط بر آن ننماید و مجازات باید در این مبارزه باشهوت نقطه اتکاء محرکی باو بدهد که شاید او را بمقاومت در مقابل تمایلاتش مصمم سازد و لو آنکه تا درجه اعتیاد بالکل در نتیجه مستی ناخوش حقیقی شود که جز با معالجات مخصوصی در موسسات اختصاصی قابل مبارزه نباشد.

۲) مسئله تعیین مسئولیت مرتکب جرم در حال مستی با توجه بآمار که متأسفانه مبین ترقی روز افزون اینحالت است یکی از مسائل مفید و مهم امروزی حقوق جزاست. که بایستی کاملاً مطالعه شود و مسا ابتدا دسته قوانینی را مطالعه میکنیم که در اطراف این موضوع سکوت اختیار نموده بعداً بمطالعه قوانینی میپردازیم که مست را مجازات کرده مستی را عامل مبطل تقصیر ندانسته سهل است از عوامل مشدده جنابت یا جنحه ارتکابی میدانند و بالاخره قوانینی را که مست را از نظر مستی تنبیه کرده و از نظر بزه ارتکابی در حال مستی مجازات ننمایند مرور خواهیم کرد

الف - قانون فرانسه شامل نظامات مخصوصی در مورد تاثیر مستی در مسئولیت جزائی نیست. بنا بر این با مراجعه باصول کلی حقوق جزا

بایستی بمطالعه قانون فرانسه پرداخت و از این حیث بایستی سه نکته زیر را در نظر گرفت .

۱) در نظریه علمای اروپا قضائی عموماً برای تعیین جنبه قضائی مسئولیت بین اعتیاد بالکل با مستی ساده فرق میدهند و در تقسیمات علمی محل مخصوصی برای اختلالات دماغی ناشیه از مستی . یعنی استعمال عادل الکل تریاک حشیش و مرفین اختصاص داده شده که همان جنون خمری یا جنون سمی است و مسلم است اگر کسی در یکی از این قبیل بحرانها مرتکب جرمی شود حکم دیوانه را داشته و در نتیجه غیر مسئول است .

۲) مستی ساده گاه اتفاقی و غیر مترقبه و گاه ارادی و خطائی میباشد و مستی اخیر ممکن است با تصمیم قبلی بمنظور ارتکاب جرم باشد و از نظر درجه شدت مستی ممکن است کامل . نیمه تمام یا جزئی باشد و بر حسب درجه استعمالش نزد مرتکب ممکن است اتفاقی یا عادی باشد .

اگر مستی اتفاقی باشد یعنی پیش بینی نشده و برخلاف اراده باشد متفق علیه عموم است که مرتکبی را که عالم بفساد یا قوه سمی مشروب که خورده نیست نمیتوان قابل بازپرسی دانست چه هیچ تقصیری متوجه او نیست و فقط باید اثر مستی را در مسئولیت چنین شخصی مطالعه کرد اگر مستی او کامل است هیچ نوع مسئولیتی نخواهد داشت ولی اگر جزئی است موجب تخفیف تقصیرش شده لکن مسئولیت را بکلی از بین نمیرد .

۳) بعضیها بخطا مدعی هستند که چون در قانون جزاء آنجا که از جنون بحث نموده راجع بمستی سکوت مطلق اختیار کرده است منظورش خارج ساختن مستی از عمل عدم مسئولیت بوده است و خصوصاً که در معاذیر قانونی مذکور در قانون هم تصریح شده است که عندر قانونی بایستی حتماً در متن قانون قید شده باشد ولی بعقیده ما این نظریه صحیح نیست . زیرا گرچه مستی در معنای فنی کلمه اختلال مشاعر نیست ولی اراده و اطلاع از عمل هم در این مورد وجود نداشته بالنتیجه تقصیر موقعیت ندارد و علاوه ما نمیتوانیم مستی جزو معاذیر قانونی است و وقتی در دفاع بمستی استناد میشود نمیتوان آنرا مثل معاذیر قانونی دیگر جزو سئوالات هیئت منصفه قرار داد بلکه اگر در عمل ثابت شود که مستی کاملاً عقل متهم را زائل کرده است هیئت منصفه باید بمسئله تقصیر جواب نفی دهد و دادگاه باید باتوجه باوضاع و احوال و علل عدم وجود اراده مرتکب قرار منع تعقیب صادر کند

و اختیارات قاضی از این حیث جزء اختیاراتی است که در مورد مطالعه مسئله تقصیر دارد یعنی مسئله ماهوی و تحت اختیار مطلق قاضی است .

ب . بنا بر این موضوع بحث مقصود بمسئولیت مرتکب نسبت باعمال مجرمانه ارتكابی در حال مستی میشود که بخطایا بر اثر اینکه برخلاف احتیاط بعد افراط مشروب نوشیده و یا بالاراده نوشیده و حتی بدون اراده ارتکاب جنایت یا جنحه مخصوصی عمداً خود را مست کرده است که این مورد دواصل مشخص از یکدیگر وجود دارد .

بر حسب یکی از این اصول مستی قابل رعایت نبوده نمیتوان بزهرکار را مجاز دانست که بانکه جرم مستی همان مستی را از اوضاع و احوال مبطل تقصیر نسبت بجرم ارتكابی دیگر داند . این استدلال که بقدمت انسان قدیمی است مورد توجه نخله تاریخ طبیعی انسان واقع شده ولی یکی از اساتید این مکتب مدعی آنکه این اصل برخلاف روحی بین اثرات مستی و اعتیاد بالکل شده میگوید اعتیاد بالکل عجز حقیقی بوده میتواند حالت و صفت شخص را تغییر دهد و حال آنکه مستی حالت عادی را تشدید کرده تغییر حالت نمی دهد آن چنان را آنچنانتر میکند و مردمست را باید فرد عادی تلقی نمود زیرا تجربکات ناشیه از مشروب فقط علت اتفاقی بشمار می رود که ذات مجرمانه شخص را آشکار می سازد ولی بنظر ما این طرز فکر در اطراف مستی مخالف با نتیجه است که از ملاحظه عناصر و اثرات مستی بدست می آید . چه شخصیکه تحت تاثیر اثر سکر آور مشروب واقع میشود بلباس موجود دیگر در آمده حالت و اخلاقش کاملاً تغییر کرده دیگر مرد قبلی نبوده منیت و شخصیت دیگری دارد یعنی خوشحال یا غمگین سعادت مند . ساده لوح قانع و متاثر رشید و جسور و ترسو بزدل هر منیت اخلاقی که داشته باشد یا مخالف آنچه قبلاً بوده ظاهر میشود و یا شدیدتر از آنچه بوده جلوه میکند و چگونه ممکن است کسی را که در چنین شرایطی تحت چنین اثراتی رفتاری نموده دارای قدرت اختیاری بدانیم که در زمان آرامش دارا بوده است .

بموجب اصل دیگر بزه ارتكابی در حال مستی کامل همیشه رافع مسئولیت کیفی است زیرا اگر چه مرتکب از لحاظ جرم مستی مقصر است ولی چون بهر تقدیر من غیر اراده مرتکب جرم شده و قادر بتمیز وجهه اخلاقی عملش نبوده نمیتوان او را مسئول دانست .

بنظر ما جمع بین این دو عقیده با توجه به مدارج مختلفه مستی ممکن است یعنی در شروع مستی که شخص اعمال خود را تشخیص داده حالت عادیش تغییر نکرده آنچه میکند می‌فهمد و چیزی که در او ضعیف شده فقط قوه مقاومت در مقابل محرکات شدید و شهوانی است مسئولیت باقی است و اعمال انتسابی بچنین شخص دارای همان اهمیت و وجه اخلاقی است که در هوشیاری وجود دارد و در واقع در مستی ناقص اگر اتفاقی باشد اثرش تخفیف مجازات و اگر نتیجه عادت یا بی احتیاطی یا ارادی باشد جزو عوامل مشدده است منتهی چون این عامل مشدده در عین حال موجب ضعف اراده و قوه مقاومت مرتکب شده قاضی با رعایت عوامل مخفیه و حداقل و حداکثر همیشه میتواند نسبت بهر موضوع خاص تصمیم مناسبی اتخاذ نماید .

اما وقتی مستی کامل باشد یعنی ایجاد بیحسی و فقدان اراده را نماید دیگر بحث از مسئولیت کیفری مورد ندارد زیرا مست عملی را که انجام میدهند نمی‌فهمد و بالنتیجه نمی‌تواند اراده‌اش را متوجه نتیجه عمل یا تحطی از قانون بنماید. در مورد مستی کامل بایستی بین جرائم عمد که مقنن سوء نیت را مجازات نموده با جرائم ناشیه از غفلت یا بی احتیاطی فرقی قائل شده در مورد جرائم اخیر مجازات بی احتیاطی بجا بوده و در جرائم دسته اول مجالی برای مجازات باقی نیست زیرا عنصر اصلی تقصیر جزائی وجود خارجی ندارد و بهر تقدیر مسئولیت حقوقی مرتکب در مقابل مجنی علیه باقی است .

ج - آخرین صورت مستی که شدید ترین صورت آنست مستی ارادی است که مرتکب برای تقویت خود بمنظور عملی ساختن نقشه مجرمانه متوسل بمستی شده است. یعنی یا آنکه بخود دل داده یا ندامتش را فراموش کرده یا عذری برای خود تحصیل کند یا عذری برای خود تحصیل کند خود را مست نموده است. در این مورد عموماً معتقدند که مستی از عوامل مشدده قضائی تقصیر میباشد. لیکن نکته قابل توجه در این قسمت این است که آیا تقصیر همیشه وجود دارد یا خیر؟ یعنی اگر کسی با تصمیم قبلی بارتکاب بزهی خود را مست و آن جرم را انجام دهد باید دید با وجود مستی بحث از تصمیم قبلی و تقصیر عمدی مجرم ممکن است یا خیر؟ بنظر اغلب علمای جزا مسئولیت در این موقه هر قدر مستی کامل باشد باقیست زیرا مرتکب وقتیکه هوشیار بوده خواهان ارتکاب جرم بوده و اجرای آن نتیجه تصمیم

آزاد و فکراوست بنا بر این دو عنصر مادی که ارادی برای تقصیر لازم است موجود بوده و سبق اراده بر اجرا و اخذ تصمیم در هوشیاری و اجرای آن در مستی رافع مسئولیت و مبطل تقصیر عمدی او نمیشود. ولی بعضی دیگر از علما حتی در این حالت بین مستی و جرم انجام شده در حال مستی فرق میگذارند و مدعی میباشند که با فرض مستی کامل عقد عامل در حین عمل زائل و بالنتیجه نمیتوان عمل را عمل ارادی عمدی دانست و بعقیده ایندسته وجود قبلی تصمیم کافی نبوده باید قصد مجرمانه مقارن عمل و متصل بآن باشد. چه در حقیقت قصد مجرمانه در حال هوشیاری بدون اجرا و نتیجه موجود و نتیجه حاصله در حال مستی فاقد قصد وارده است.

بعقده ما بحث در اطراف این موضوع بیشتر جنبه فنی دارد تا عملی زیرا کسیکه در حال مستی طرحی را انجام میدهد که بنظر آن خود را مست نموده است با همین عمل ثابت میکند که هنوز هوش و اراده کافی برای او باقیست و دفاعش باینکه در حال مستی قوه تمایز و اراده از او سلب شده دفاع پسندیده نیست چه بهترین دلیل برای بقای قوای او در حین مستی همان اجرای عمل مجرمانه است و تا بحال هیچ مورد عملی پیدا نشده که بزهدکاری برای تقویت قلب خود مشروب آشامیده بدرجه مست شده باشد که کاملاً عقلش را از دست بدهد به همین جهت است که در هیچیک از قوانین مدونه کمترین تخفیفی در باره جرم ارتکابی در حال مستی با تصمیم قبلی قائل نشده حتی بعضی از قوانین این مستی را از عوامل و اوضاع و احوال مشدده تقصیر تلقی نموده اند.

بقیه سخنرانی آقای دکتر هدایتی در کانون و ۱۲

حما گمه نور نبرگ

مثلاً برای جنک تهاجمی تعریفی را که برای آن در ماده ۱۰ مقاله نامه ژنو بعمل آمده پذیرفته و نیز جرائم جنگی جزائی را دانسته است که بر علیه مقررات قرار داد بین المللی لاهه ۱۹۰۷ و در قرارداد های ژنو صورت گرفته باشد.